

رابطه وابستگی خاص نسبت به همسر و سلامت روان در دبیران اهواز

سعید بختیارپور^۱
فرح نادری^۲
زینب عامری^۳

چکیده

تحقیق حاضر به بررسی رابطه‌ی بین وابستگی خاص نسبت به همسر و سلامت روان در دبیران متأهل (زن) شهر اهواز انجام گرفت. نمونه شامل ۱۳۵ دبیر زن بود که به صورت نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده عبارتند از: پرسشنامه وابستگی خاص نسبت به همسر (SSDW) - پرسشنامه سلامت روان (SCL-۲۵). این تحقیق از نوع همبستگی بوده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین وابستگی خاص نسبت به همسر و سلامت روان رابطه مثبت معنی دار مشاهده گردید. سطح معنی دار در این تحقیق در نظر گرفته شده است.

کلیدواژگان: وابستگی خاص نسبت به همسر، سلامت روان.

مقدمه

وابستگی هیجانی افراطی در روابط زناشویی به عنوان شیوه‌ای از همسر آزاری انگیزشی در نظر گرفته می‌شود. وابستگی به طور عمده، به عنوان تکیه کردن افراطی در روابط بین فردی، تعریف می‌شود. به عنوان مثال، تلاش بسیار زیادی در جهت کسب و حفظ روابط نزدیک با دیگران انجام می‌دهند. (بک^۱، ۱۹۸۲، بلات^۲ و همکاران، ۱۹۸۲؛ هیرسفلد^۳ و همکاران، ۱۹۷۶).

وابستگی به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌هایی است که در بسیاری از مشکلات بالینی از جمله اختلال

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

** استادیار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان

*** کارشناسی ارشد روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم زینب عامری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می باشد.

وحشت زدگی و هراس از مکان های باز (هامن^۱، ۱۹۸۶، ماویسا کالین^۲ و ریچ^۳ و همکاران ۱۹۸۷) افسردگی (نیتزل^۴ و هاریس^۵، ۱۹۹۰) و اختلافات زناشویی (برینتل^۶، ۱۹۸۶) دیده می شود. بسیاری در پرسشنامه های خود گزارشی، جنبه های متفاوتی در وابستگی بین فردی، از جمله افسردگی ثانویه یا افسردگی اتکایی (بلات و همکاران ۱۹۷۶)، سبک شناختی نابهنجار (بک و همکاران ۱۹۸۳) یا یک ویژگی شخصیتی (هیر سفلد و همکاران ۱۹۷۷) را می سنجد.

بیشترین تمرکز در زمینه وابستگی در روابط زناشویی، بر روابط خصومت آمیز بنا شده است. گزارش های بالینی و یافته های حاصل از مطالعات کنترل شده، حاکی از آن است که همسر آزاران (در اینجا منظور آزار رساندن به زنان است) به شدت به همسرانشان وابسته هستند (مورفی^۷، ۱۹۹۴).

همسر آزاران در برخی از رفتارهای محدود کننده و کنترل کننده که خودمختاری همسرانشان را کم می سازد، درگیر هستند (فولینگستد و همکاران ۱۹۹۰؛ مورفی و کاسکاردی^۸، ۱۹۹۳) و گمان می رود که وابستگی شدید آنها در صورتی کامروا ساز خواهد بود که همسرانشان را به شدت در روابط زناشویی محدود سازند. در واقع این نوع وابستگی یک وضعیت هیجانی و رفتاری ایجاد کرده که بر توانایی فرد برای داشتن یک رابطه متقابل رضایت بخش و سالم اثر می گذارد و به عنوان «اعتیاد رابطه»^۹ نیز شناخته می شود، زیرا افرادی با این شکل اغلب روابطی را شکل می دهند یا حفظ می کنند که یک طرفه و از لحاظ هیجانی مخرب و یا متجاوزانه است.

وابستگی را نیز می توان به عنوان مجموعه ای از رفتارهای ناسازگارانه و وسواسی دید که شخص فرا می گیرد تا در خانواده ی که درد و استرس هیجانی فوق العاده ای را تجربه می کند، مثل اعضای الکلی خانواده یا دیگر اعتیادها، سوء استفاده جنسی و یا سایر بدرفتاری های در خانواده یا اعضای متیلا به بیماری های مزمن یک خانواده، روزگار را سپری کند. افراد وابسته تمایل شدیدی به ورود به رابطه با افرادی را دارند که به لحاظ هیجانی در دسترس و نیازمند هستند و تلاش می کنند تا یک رابطه را کنترل کنند بدون آنکه نیازها و تمایلات خود را ابراز کنند و در یک حالت عدم کامروایی مداوم قرار می دهد. آنها سعی می کنند از شخصی که دچار یک وضعیتی بحرانی است، مراقبت کنند اما مراقبت و توجه به یک وسواس و ناکامی تبدیل می شود. در واقع این نوع وابستگی رابطه ی است که با زندگی کردن به خاطر دیگری که کنترل دیگران، حل کردن مشکل دیگران و نگرانی بیش از حد درباره صمیمیت مشخص می شود و هنگامی رخ می دهد که شخصی (همسر، شریک زندگی) خود را با رفتارهای اعتیاد گونه و ناکارآمدش، افکار و احساسات و رفتار اشخاص دیگر را تحت تاثیر خود قرار می دهد و وابستگی یک رفتار اعتیادی و یک الگوی روانی است که دست کم

۱. Hamann

۲. Mavissakalian

۳. Reich

۴. Nietzel

۵. Harris

۶. Birtchnell

۷. Murphy

۸. Cascardi

۹. relationship addiction

۸۰ میلیون انسان به آن گرفتارند. (بارگر^۱، ۲۰۰۵).

متخصصان بهداشت روانی معتقدند که توانایی تشخیص علائم و نشانگان وابستگی برای اجتناب از هر گونه آسیب روان شناختی و فیزیکی و هیجانی بسیار حائز اهمیت است. برخی از این نشانگان عبارتند از: دشواری در خوش گذرانی و تفریح کردن، حساسیت بیش از حد به انتقاد، وابستگی به دیگران و ترس از تنهایی، فقدان اعتماد به نفس در تصمیم گیری ها کناره گیری و ترس از مردم تنفر از اقتدار طلبی و بیماری های جسمانی مرتبط با استرس مانند اختلالات معده ای، روده ای، زخم معده، فشار خون بالا، افسردگی، بیش فعالی در افراد مبتلا به وابستگی شناسایی شده است. (قائمی، ۱۳۷۶).

خانواده هایی با مشکلات وابستگی قوانینی را وضع می کنند که وابستگی را افزایش می دهد. نمونه هایی از این قواعد عبارتند از: صحبت نکردن، اعتماد نداشتن، اهمیت بیشتر به نیازهای دیگران نسبت به نیازهای شخص. چنین قواعدی می تواند رشد سالم و آزاد عزت نفس، مهارت های مقابله ای را محدود سازد. (باتی^۲، ۲۰۰۱). خانواده مهمترین نقش را در ایجاد تعادل روانی زنان به عهده دارد. یک خانواده سالم و خوشبخت یک واحد اجتماعی سالم را تشکیل می دهد. علت اصلی بروز اختلافات زناشویی را سوء تفاهم و خطاهای شناختی (تحریف ها) می دانند و راه رسیدن به با این تفاهم مستلزم کوشش دو جانبه است (نوبی نژاد، ۱۳۶۵).

خانواده نیز می تواند در برخورد با مشکلات مربوط به سلامت روانی همسران به تامین بهداشت روانی آنان کمک می کند. شواهد فراوانی گویای آنند که زوج ها در جامعه امروزی برای برقرار و حفظ روابط صمیمی و دوستانه به مشکلات شدید و فراگیر دچارند. در حقیقت معضل پریشانی زناشویی بیشتر از هر طبقه تشخیص روانپزشکی دیگر دلیل مراجعه در درمانجویان به مراکز بهداشت روانی است. (عبدالرحمی، ۱۳۸۳).

میدانوکی و مانی^۴ (۲۰۰۷) وابستگی مشترک و سلامت روان را در دانشجویان رفاه اجتماعی مورد بررسی قرار دارند. هدف آنها در آن پژوهش تهیه یک پرسشنامه از رفتارهای ویژه افراد وابسته و بررسی رابطه وابستگی، افسردگی و شخصیت وابسته بود. نمونه آنها شامل ۲۹۰ دانشجوی رفاه اجتماعی (۱۷۹ مرد و ۱۱۱ زن) بود. نتایج نشان داد که میان وابستگی، افسردگی و سلامت روان افراد افسرده رابطه معنی دار وجود دارد.

سوسان^۵ (۲۰۰۴) وابستگی هیجانی زنان را نسبت به مردان مورد سنجش قرار داد و نمونه شامل ۱۳۶ زن از سازمان های دولتی و ۵۴ دانشجوی زن ترم اول دانشگاه بود. نتایج نشان داد که وابستگی هیجانی زنان به مردان با وابستگی مردان به زنان تفاوت دارد. همچنین یافته ها نشان داد که وابستگی هیجانی به طور منفی با سن، تحصیلات و نگرش های فمینیستی رابطه داشتند و در زنان شاغل کمتر بود.

پارتیک بارتل^۶ (۱۹۸۹) وابستگی بین فردی و وابستگی نایمن در مردان همسر آزار خود معرف به داد گاه، راروی ۹۳ مورد بررسی کرد. یافته های حاکی از آن بود که شیوع وابستگی در نمونه مورد مطالعه از جامعه

۱. Berger

۲. Berger

۳. Beattie

۴. Maeda Naoki, Mami

۵. Susan

۶. Partic Bartel

عادی بالاتر نبود. در مقابل مردان همسر آزار در مقایسه با نمونه مردان عادی به طرز معنی داری سبک‌های دل‌بستگی ناایمن بیشتری داشتند. تحلیل‌های بعدی نشان داد که دل‌بستگی ناایمن با حساسیت بین فردی، وابستگی به طرز معنی داری رابطه داشت.

دوگان و آشلی^۱ (۲۰۰۷) وابستگی و سلامت روان و افسردگی را بر روی ۶۸ زوج که یکی از طرفین دچار افسردگی بود را بررسی کردند و نتایج مشخص کرد که وابستگی یک صفت فردی است. در زوج‌هایی که یکی از طرفین افسرده است، وابستگی، افسردگی بیشتر، شناخت‌های منفی و اضطراب را پیش‌بینی کرده و انسجام پایین‌تر و خشونتی رابطه‌ای پایین‌تر را نیز پیش‌بینی می‌کند و در نتیجه با سلامت روان رابطه منفی دارد.

دیراس^۲ (۱۹۸۳) وابستگی زناشویی زن و همسر (زن) آزاری را بر روی ۲۱۴۳ نفر در زنان و مردان بزرگسال به منظور بررسی و کشف روابط میان وابستگی زنان در ازدواج و همسر آزاری قرار دارد. متغیرهای وابسته عبارت بودند از (خشونت شدید) و (خشونت ضعیف) و متغیرهای مستقل عبارت بودند از شاخص‌های عینی (وضعیت اقتصادی) و ذهنی (ادراک شده) وابستگی زناشویی هر دو بعد را بستگی به طور مثبتی با همسر آزاری مرتبط بود. با این حال وابستگی زناشویی ذهنی به طور معنی داری با خشونت خفیف رابطه داشت اما با خشونت شدید مرتبط نبود و وابستگی زناشویی عینی بر عکس‌الگوی فوق بود. نتایج حاکی از آن بود که وابستگی اقتصادی و نه روان‌شناختی که زنان را در ازدواج‌های همسر آزارانه قرار می‌دهد با توجه به اختلال وابستگی خاص نسبت به همسر به واسطه نگرانی شدید فرد در مورد توجه مثبت همسرش به وی، در دسترس بودن او، حساسیت شدیدش در مقابل کاهش توجه و اضطراب بسیار به خاطر ترس از دست دادن رابطه و حمایت‌های اجتماعی که عمدتاً از همسرش صورت می‌گیرد و با کسب عزت نفس و اعتبار از روابط صمیمی با همسر و اتکاء به روابط در جهت کسب حمایت هیجانی، تداوم می‌یابد. این ویژگی خطر ابتلا به افسردگی ناشی در اختلافات زناشویی را افزایش می‌دهد و در نتیجه منجر به عدم سلامت روان فرد و خانواده‌اش می‌گردد. حال با توجه به اهمیت موضوع هدف از انجام این پژوهش این است که آیا بین وابستگی خاص نسبت به همسر^۳ با سلامت روان در دیران زن رابطه‌ای معنی دار وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱) بین وابستگی خاص نسبت به همسر و سلامت روان در دیران زن رابطه وجود دارد.
- ۲) بین مولفه‌های وابستگی خاص نسبت به همسر (دل‌بستگی مضطربانه، دل‌بستگی منحصر به فرد، دل‌بستگی هیجانی) با سلامت روان در دیران زن رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دیران زن شهر اهواز بود که در سال ۸۸-۸۹ مورد بررسی قرار گرفتند. از این جامعه تعداد ۱۳۵ دیر به عنوان نمونه انتخاب شد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری

۱. Duggan, ashley

۲. Debras

۳. spouse-specific dependency

خوشه ای استفاده شد به این طریق که ابتدا از بین چهار ناحیه موجود در اهواز (۱ تا ۴) به صورت تصادفی ۲ ناحیه را انتخاب کردیم (ناحیه ۲ و ۳) و پس از لیست کردن کلیه مدارس این دو ناحیه، ۱۰ مدرسه را به صورت تصادفی انتخاب شد و سپس پرسشنامه بین کلیه دبیران این مدارس توزیع شد.

ابزار پژوهش

در این پژوهش به منظور اندازه گیری متغیر های مورد نظر از ابزارهای زیر استفاده شد:

۱) پرسشنامه تجدید نظر شده سلامت روانی (SCL-۲۵)

۲) پرسشنامه وابستگی خاص نسبت به همسر (SSDW)

در این پژوهش برای سنجش سلامت روانی از فهرست تجدید نظر شده سلامت روان (SCL-۲۵) استفاده شد. پرسشنامه مذکور شامل ۲۵ سوال می باشد. این مقیاس فرم کوتاه شده نسخه تجدید نظر شده فهرست نود نشانه ای یعنی SCL-R-۹۰ می باشد که توسط نجاریان و داوودی (۱۳۸۰) تهیه گردید. ضرایب پایایی آن به شیوه بازمایی برابر ۰/۷۸ و از طریق محاسبه درونی ۰/۹۷ گزارش شده است و اعتبار این آزمون از طریق همبستگی با اضطراب عمومی ANQ و افسردگی بک، کمال گرایی اهواز به ترتیب برابر با ۰/۶۹، ۰/۴۹، ۰/۶۶ گزارش شد. (عسگری، حیدری، نادری و همکاران، ۱۳۸۸).

پرسشنامه وابستگی خاص نسبت به همسر توسط راتوس و اولیری در سال ۱۹۹۷ ساخته شده است که شامل ۳۰ سوال و سه مقیاس (دل بستگی مضطربانه، وابستگی منحصر به فرد، وابستگی هیجانی). یعنی برای هر مقیاس ۱۰ سوال در نظر گرفته شده است. این پرسشنامه شش گزینه ای (کاملاً موافق، کاملاً مخالف) بوده، بر اساس مفهوم سوال نمره ۱ تا ۶ تعلق می گیرد. چون در پرسشنامه سؤالات مثبت و منفی وجود دارد، سؤالات منفی شیوه نمره گذاری معکوس است. نمره بالا در این پرسشنامه نشانه وابستگی خاص نسبت به همسر و نمره پایین نشانه رابطه بهنجار و طبیعی با همسر است. در پژوهش حاضر پایایی و اعتباریابی آن توسط عامری (۱۳۸۹) برای اولین بار در کشور انجام گرفت. نتایج حاصل از آن با پژوهش های خارج از کشور هماهنگی لازم را داشت. اعتبار این آزمون از طریق همبستگی همزمان با مقیاس سبک مضطرب دو سوگرای ایمن سیمپون انجام گرفت. ضرایب اعتبار این مقیاس برابر با ۰/۷۷ ($p=0/0001$) و ضرایب پایایی آن به دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب برابر ۰/۸۴ و ۰/۸۱ بوده و همچنین کلیه ضرایب اعتبار خرده مقیاس ها نیز معنی دار می باشند.

یافته های پژوهش

جهت تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند گانه استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۱ تا ۳ آمده است.

یافته های این پژوهش در دو قسمت زیر ارائه می شوند.

الف) یافته های توصیفی

یافته های توصیفی این پژوهش شامل شاخص آماری مانند میانگین، انحراف معیار، تعداد

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار نمره های وابستگی خاص نسبت به همسر و سلامت روان دبیران زن

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
وابستگی خاص نسبت به همسر	۴۴/۱۴۰	۲۸/۱۹	۱۳۵
وابستگی مضطربانه نسبت به همسر	۵۷/۳۶	۳۹/۸	۱۳۵
وابستگی منحصر به فرد	۸۷/۳۷	۶۵/۸	۱۳۵
وابستگی هیجانی	۹۹/۴۵	۳۴/۷	۱۳۵
سلامت روان	۴۵/۵۴	۷۷/۱۶	۱۳۵

آزمونی های نمونه می باشد. همان طوری که در جدول ۱ آمده است میانگین و انحراف معیار وابستگی خاص نسبت به همسر در گروه دبیران متأهل زن ۱۴۰/۴۴ و ۱۹/۲۸، متغیر وابستگی مضطربانه نسبت به همسر، گروه دبیران زن ۳۶/۵۷ و ۸/۳۹ و در متغیر وابستگی هیجانی نسبت به همسر گروه زنان ۴۵/۹۹ و ۷/۳۴ و وابستگی اختصاصی نسبت به همسر به ترتیب ۳۷/۸۷ و ۸/۶۵ و در متغیر سلامت روان دبیران زن ۵۴/۴۵ و ۱۶/۷۷ می باشد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی ساده بین وابستگی خاص نسبت به همسر و سلامت روان دبیران

N=۱۳۵		شاخص آماری	متغیر ملاک
P	r	متغیر پیش بین	
<۰/۰۰۱	۰/۳۰	وابستگی خاص به همسر	سلامت روان
<۰/۰۰۱	۰/۳۳	وابستگی مضطربانه	
۰/۰۱۹	۰/۲۰	وابستگی اختصاصی	
۰/۰۳۷	۰/۱۸	وابستگی هیجانی	

ب) یافته های مربوط به فرضیه پژوهش

همان طور که در جدول ۲ آمده است بین وابستگی خاص نسبت به همسر و عدم سلامت روان دبیران زن رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر افزایش وابستگی خاص نسبت به همسر دبیران با افزایش عدم سلامت و روان آنان همراه شده است. بین مولفه های وابستگی مضطربانه، وابستگی منحصر به فرد نیز وابستگی هیجانی نسبت به همسر و عدم سلامت روان دبیران زن رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر ما هر چه وابستگی مضطربانه، وابستگی منحصر به فرد و وابستگی هیجانی نسبت به همسر در دبیران زن افزایش یابد به همان اندازه عدم سلامت روان آنان افزایش می یابد.

جدول شماره ۳. ضرایب همبستگی چندگانه مؤلفه های وابستگی خاص به همسر (مضطربانه، اختصاصی و هیجانی) با سلامت روان دبیران با روش های الف «ورود (Enter)» و ب «مرحله ای (Stepwise)»

ضرایب رگرسیون			نسبت F احتمال p	ضریب تعیین RS	همبستگی چندگانه MR	شاخص های آماری متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک
۳	۲	۱					
		$\beta = ۰/۲۶$ $t = ۴/۰۱$ $p < ۰/۰۰۱$	$F = ۱۶/۱۲$ $p < ۰/۰۰۰۱$	۰/۰۶	۰/۲۶	۱- وابستگی مضطربانه	سلامت روان
	$\beta = ۰/۰۳$ $t = ۰/۵۰$ $p < ۰/۰۰۵$	$\beta = -۰/۲۵$ $t = ۳/۴۷$ $p < ۰/۰۰۱$	$F = ۸/۱۶$ $p < ۰/۰۰۰۱$	۰/۰۷	۰/۲۶	۲- وابستگی اختصاصی	
$\beta = -۰/۰۷$ $t = ۰/۸۸$ $p < ۰/۰۰۵$	$\beta = ۰/۰۷$ $t = ۰/۸۵$ $p < ۰/۰۰۵$	$\beta = ۰/۲۶$ $t = ۳/۲۸$ $p < ۰/۰۰۰۱$	$F = ۵/۱۹$ $p < ۰/۰۰۱$	۰/۰۷	۰/۲۷	۳- وابستگی هیجانی	
ضرایب رگرسیون			نسبت F احتمال p	ضریب تعیین RS	همبستگی چندگانه MR	شاخص های آماری متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک
وابستگی مضطربانه							
$\beta = ۰/۲۶$ $t = ۴/۰۱$ $p < ۰/۰۰۱$			$F = ۱۶/۱۲$ $p < ۰/۰۰۰۱$	۰/۰۶	۰/۲۶	وابستگی مضطربانه	سلامت روان

همان طوری که در قسمت «الف» جدول شماره ۳ آمده است، طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش ورود مکرر، ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی مؤلفه های وابستگی خاص به همسر (مضطربانه، اختصاصی و هیجانی) با عدم سلامت روان دبیران برابر با $MR = ۰/۲۷$ و $RS = ۰/۰۷$ می باشد که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار می باشد. با توجه به مقدار ضریب تعیین (RS)، مشخص شده که ۷ درصد واریانس عدم سلامت روان توسط متغیرهای پیش بین قابل تبیین می باشد. همچنین با توجه به قسمت «ب» جدول مشاهده می شود که از میان مؤلفه های وابستگی خاص به همسر (مضطربانه، اختصاصی و هیجانی) به عنوان متغیرهای پیش بین، تنها متغیر مؤلفه وابستگی مضطربانه به همسر پیش بینی کننده برای عدم سلامت روان دبیران می باشد و سایر مؤلفه های وابستگی خاص به همسر در پیش بینی کنندگی عدم سلامت روان دبیران نقشی ایفانمی کنند.

بحث و نتیجه گیری

انجمن بهداشت روانی ملی اظهار می دارد که وابستگی یک رفتار آموخته شده نیز می تواند باشد که می تواند از یک نسل به نسل دیگر منتقل شود و در واقع یک وضعیت هیجانی و رفتاری است که بر توانایی فرد برای داشتن یک رابطه سالم تاثیر منفی می گذارد. این نوع وابستگی غالباً با افسردگی و اضطراب در شخص وابسته توأم بوده که به خاطر احساس ناکامی و غمگینی از ناتوانی خود در بهبود وضعیت از یاد در می آیند و با توجه به آمار یاد شده که

دست کم ۸۰ میلیون انسان با آن گرفتارند می بایست به این مسئله اشاره کرد که کوشش در جهت ارتقاء بهداشت روانی زنان به سالم سازی فضای خانوادگی کمک می نماید و مسلم است که کودکی که در محیط پر از مهر و محبت خانواده رشد کرده و شکوفایی می شود در به وجود آوردن جامعه ای پویا و آباد سهم خواهد بود.

در پژوهش حاضر با توجه به نیاز به اعتباریابی پرسشنامه وابستگی خاص نسبت به همسر که به صورت همزمان آن را با دلبستگی بزرگسالان سیمپون همبسته کردیم نتایج نشان داد که دلبستگی در کودکی می تواند بیشترین تاثیر را در بزرگسالی ایجاد کرده و شواهدی دال بر تایید آن نیز وجود دارد.

سیف و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی که سبک دلبستگی نایمن، اضطرابی والدین مورد بررسی قرار دادند به این نتیجه رسیدند که این سبک دلبستگی والدین با تعارضات زناشویی آنان همبستگی مثبت معنی دار وجود دارد. عطاری و همکاران (۱۳۸۵) در بررسی که سبک های دلبستگی را به عنوان پیش بین های موفقیت و شکست رابطه زناشویی مطرح کرده بودند نتایج به دست آمده نشان داد که از سبک های دلبستگی می توان شکست و موفقیت زناشویی را پیش بینی کرد.

بشارت و همکاران (۱۳۸۲) در پژوهشی که سبک های دلبستگی و مشکلات بین شخصی را مورد بررسی قرار دادند نتایج نشان داد که آزمودنی های دارای سبک دلبستگی ایمن نسبت به آزمودنی های دارای سبک دلبستگی نایمن مشکلات بین شخصی کمتری داشتند.

نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه اول با پژوهش های انجام شده مید انوگی و مامی (۲۰۰۷) همسو می باشد. نتایج تحقیق میدانوکی و مامی (۲۰۰۷) نیز نشان می دهد که میان وابستگی افراد و افسردگی آنان که جزئی از سلامت روانی آنان است رابطه معنی دار وجود دارد.

و همچنین دوگان و آشلی (۲۰۰۷)، نیز نشان داده اند میان وابستگی و سلامت روان رابطه معنی دار وجود داشته چرا که افراد با وابستگی بیشتر اضطراب بیشتری و انسجام پایین تر و خشنودی رابطه ای پایین تر را دارا بودند، در نتیجه با سلامت روان رابطه منفی دارد. در تبیین یافته های فرضیه اول می توان گفت که زنانی که وابستگی خاص نسبت به همسر خویش را دارا و احساس می کنند تاثیرات زیادی را بر رفتار و حتی جسم آنان می گذارد مثل ترس از رها شدگی و تنها ماندن - نیاز مبرم به تاثیر و تشویق دیگران - بیماریهای جسمی مرتبط با استرس (فشار خون - زخم معده - فشار خون - افسردگی) که این همه شواهد دال بر تاثیر منفی این نوع وابستگی بر سلامت روان افراد دارد و این نوع وابستگی سلامت روان آنان را به شدت تهدید خواهد ساخت. همچنین نشان دهنده این است که بین وابستگی خاص نسبت به همسر و سلامت روان در سطح $(p < 0/0001)$ تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه دوم نیز با پژوهش های انجام شده در گذشته که ذیلاً ذکر شد همسو است. مقیاس دلبستگی مضطربانه از آیتم های تشکیل شده است که شامل احساس های مورد غفلت واقع شدن از جانب همسر - مشغولیت مداوم در زمینه احساسات همسر، حساسیت نسبت به جدایی و نشانه های عدم توجه همسر و ترس از رها شدن و طرد شدن، می باشد.

آیتم های این مقیاس با نظر به اضطراب جدایی بالبی (۱۹۷۳) و نظریه دلبستگی دو سوگرا (اینزورث و همکاران ۱۹۸۷) منطبق است. نمره های بالا در این مقیاس می تواند به طور معنی داری واکنش های پریشان کننده ناشی از تجارب جدایی هیجانی و یا فیزیکی از همسر را پیش بینی می کند. و همچنین مقیاس وابستگی منحصر به فرد نیز

عبارت است از میزانی که فرد تنها به همسرش فارغ از روابط مهم دیگر به عنوان یک همدم و سنگ صبور تکیه می‌کند. این مقیاس همچنین اتکای فرد به همسرش را مورد بررسی قرار می‌دهد. افراد بانمرا با بالا در این مقیاس احتمالاً حمایت اجتماعی پایینی را تجربه می‌کنند زیرا وقت و انرژی شخص بر روی همسرش سرمایه‌گذاری می‌شود. با توجه به اطلاعات جدول (۳)، بین مولفه‌های وابستگی مضطربانه به همسر و وابستگی اختصاصی به همسر و عدم سلامت روان دبیران رابطه مثبت معنی‌دار مشاهده می‌شود. بنابراین فرضیه این دو مقیاس تأیید می‌گردد و مقیاس سوم با مشاهده داده‌های جدول بین مولفه‌های وابستگی هیجانی به همسر و عدم سلامت روان دبیران رابطه مثبت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. بنابراین فرضیه مربوط به این قسمت تأیید نمی‌گردد این جنبه از وابستگی با تحقیقات (بک و همکاران، ۱۹۸۳) و (بلات، ۱۹۷۶) همخوانی بالایی دارد. هنوز به درستی مشخص نیست که آیا وابستگی در روابط، یک ویژگی صفتی است و یا ویژگی منحصر به روابط، آیا در طول زمان ثابت است یا تا حدودی وابستگی بین فردی کل و یا با رضایت زناشویی همپوشی دارد.

با مشاهده این وابستگی می‌تواند یک عامل پرخطر برای خصومت زناشویی را آشکار سازد و درک ما را از حساسیت فزاینده به طرد و بی‌توجهی افزایش دهد. به بینش حالات هیجانی مشاهده شده در افراد ضارب، مانند افسردگی کمک می‌کند (مایورو و همکاران، ۱۹۸۸) انگیزه‌هایی که زیربنای راهبردهای تهدید و کنترل هستند را مشخص می‌سازد.

منابع

- آزاد، حسین، (۱۳۸۴). بهداشت روانی جلد اول، چاپ سوم، تهران نشر ویرایش.
- اینزورث، برتون، واتر، بهداشت روانی. (۱۳۷۶). ترجمه، حمزه گنجی. تهران. نشر اسبهران.
- عبدالرحیمی، فرشته، (۱۳۸۳). مقایسه سلامت روان و رضایت زناشویی زنان با بارداری خواسته و زنان با بارداری ناخواسته در زنان باردار شهر اهواز - پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه چمران
- قاضی، قاسم، (۱۳۸۳). نظریه‌ها و روش‌های مشاوره و روان‌درمانی، چاپ اول، انتشارات جنگل اصفهان.
- قائم‌ی، علی، (۱۳۶۸). تشکیل خانواده در اسلام، تهران، شرامیدی.
- کریمی یوسف، سیامک نقشبندی، بهرام گودرزی، محمدرضانیک خواه، (۱۳۸۱). نظریه‌های شخصیت، ترجمه، چاپ چهارم تهران، نشر آسیم.
- عسگری، پرویز، حیدری، علیرضا، نادری، فرح و همکاران، (۱۳۸۸). راهنمای آزمون‌های روانشناختی، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- نوابی نژاد، شکوه، (۱۳۷۶). مشاوره ازدواج و خانواده درمانی. تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی، چاپ چهارم.

Back, s. R. H. , sandeen, e. E. , and o'leay, k. D. (1990). Depression in marriage. Guilford press, new york.

- Back, a. T. (19982). Cognitive therapy of depression: new perspectives. in clayto, p. , and barret, j. (eds.) treatment of depression: old controversies and new approachs, raven press, new york , pp. 265-290
- Barger,V(2005). Co -Dependency. personalized thrapy, counselins and coachins.
- Beattie,m. (2001). codependency. portage path behavioral health. web Sit:www. potage patt. org
- Beck. A. T,Epstein ,N. ,Harrison R. P. ,and Emery,G. (1976). Development of the sociotripsy autonomy Scale:A measure of personality factors in psychopathology. Unpublished manuscript university of pennsylvania philadelphia.
- Birchnell,J. (1986). the imperfect attainment of intimacy:A key concept in marital therapy. J. Fam. ther. 8:153-172.
- Blatt, S. J. ,Quinlan ,D. M. ,Chevron ,Chevron ,E. S. , McDonald,C. ,and Zuroff , D. (1982). Dependency and self -criticism:psychological dimensions of depression. J. consult. clin. Psychol. 50:113-124
- Bowlby,j,(1973). Separation. Basic Books,London.
- Debras. Kalmuss Murray (1982). Wifes marietal dependency and wife abuse. journal of marrigge and family. vol, 44,no. 2. pp. 277-286.
- Duggan , Ashley. (2007). Codependency as an influence on control strategies and Relational satisfaction in couples including one Depressed Individual.
- Follingstad,D. R. ,Rutledge ,L. L. ,Berg,B. J. ,Hause,E. S. , and polek,D. S. (1990). The role of emotional abuse in physically abusive relationships. J. fam. voil. 5:107-120.
- Hirschfeld ,R. M. A. ,Klerman ,G. L. ,Chodoff ,P. ,Korchin, s. , and barrett, j.)1976). dependency-self-steem-clinical deperssion. j. Am. Acad. Psychonal. 4:373-388.
- Hirschfeld, R. M. A. , Kleman, G. L., GOUGH, h. g, barrett,J. , Korchio,s. j. , and chodoff p. (1977). A measure of hnterpersonal dependency. J. personal. Asses. 41:610-618
- Maeda Naoki, Nagatomo, Tanaka Yoko and Miura Hiroko. (2007). Co dependency and Mental Health in social welfare students journal of Kyushu university of health and welfare ,8:79-87.
- Mavissakalian. , and Hammann, M. s. (1986). DSM-III personality disorder in agoraphobia. Comprehend. Psychiatry 27: 471-479.
- Murphy ,C. M. , and cascadi, m (1993). psychological aggression and abuse in marriage. in hampton ,R. L. , Gullotta, T. P, family violence: prevention and treatment. sage ,new bury park ,CA,pp. 86-112.
- Murphy c. m. , meyer , S. L. , and OLRERY K. D. (1994). Dpency charecteristic of partner assaultive men j. Abnorm. Psychol. 103:735.
- Nietzel, M. T. , and Harris ,M. J. (1990). Relationship of dependency and achievement/ autonomy to depression. clin. psychol. rev. 10:279-297
- Patick Bartel (1989). Dctrol of philosophy department of psychology. university of simon fraser. Inteerpersonal dependency and insecure Attachment in spouse-abusive men.
- Reic, J. , Noyes, R. , and trougthon, E. (1987). Dependent personality disorder associated with phobic avoidance in patiens with panic disorder. Am. j. Psychiatry 144:323-326.
- Susan ,N. (2004). Womens emotional dependency on men. Journal of psychology of women , 55: 267-268.

تاریخ وصول: ۸۹/۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۴